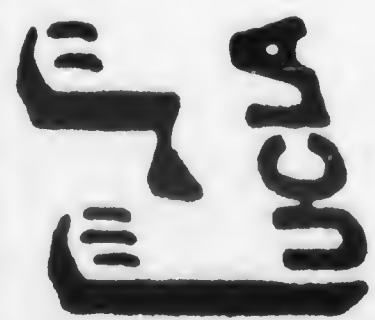
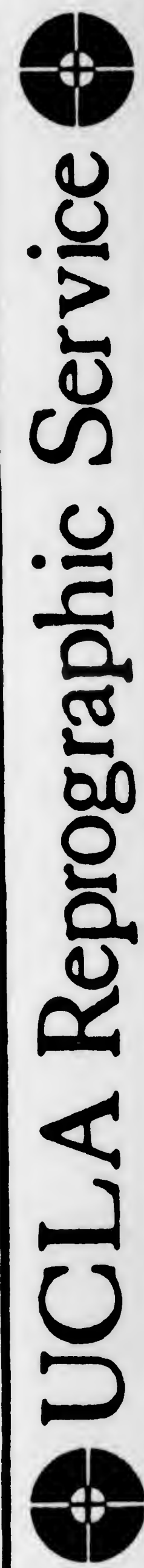




START





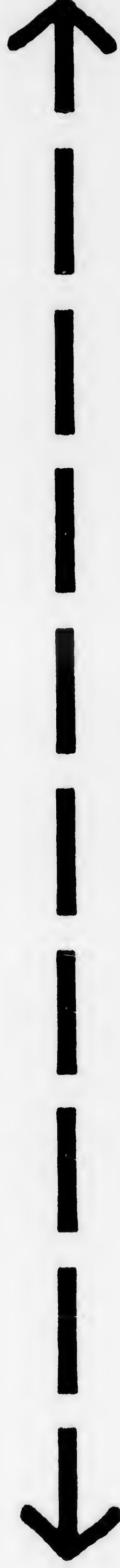
REEL 10

UCLA Reprographic Service



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio

11:1



**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

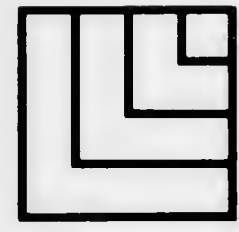
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**



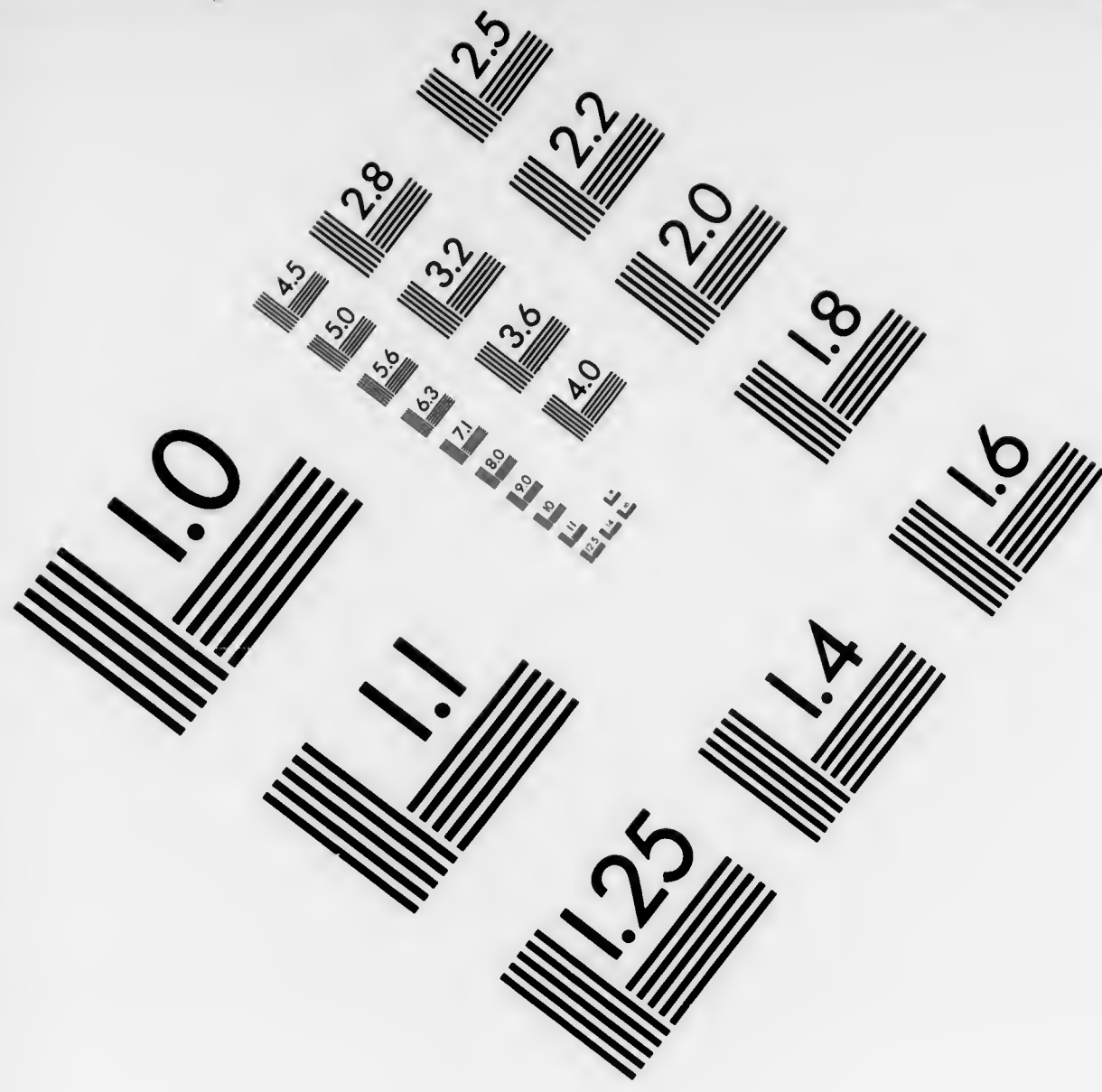
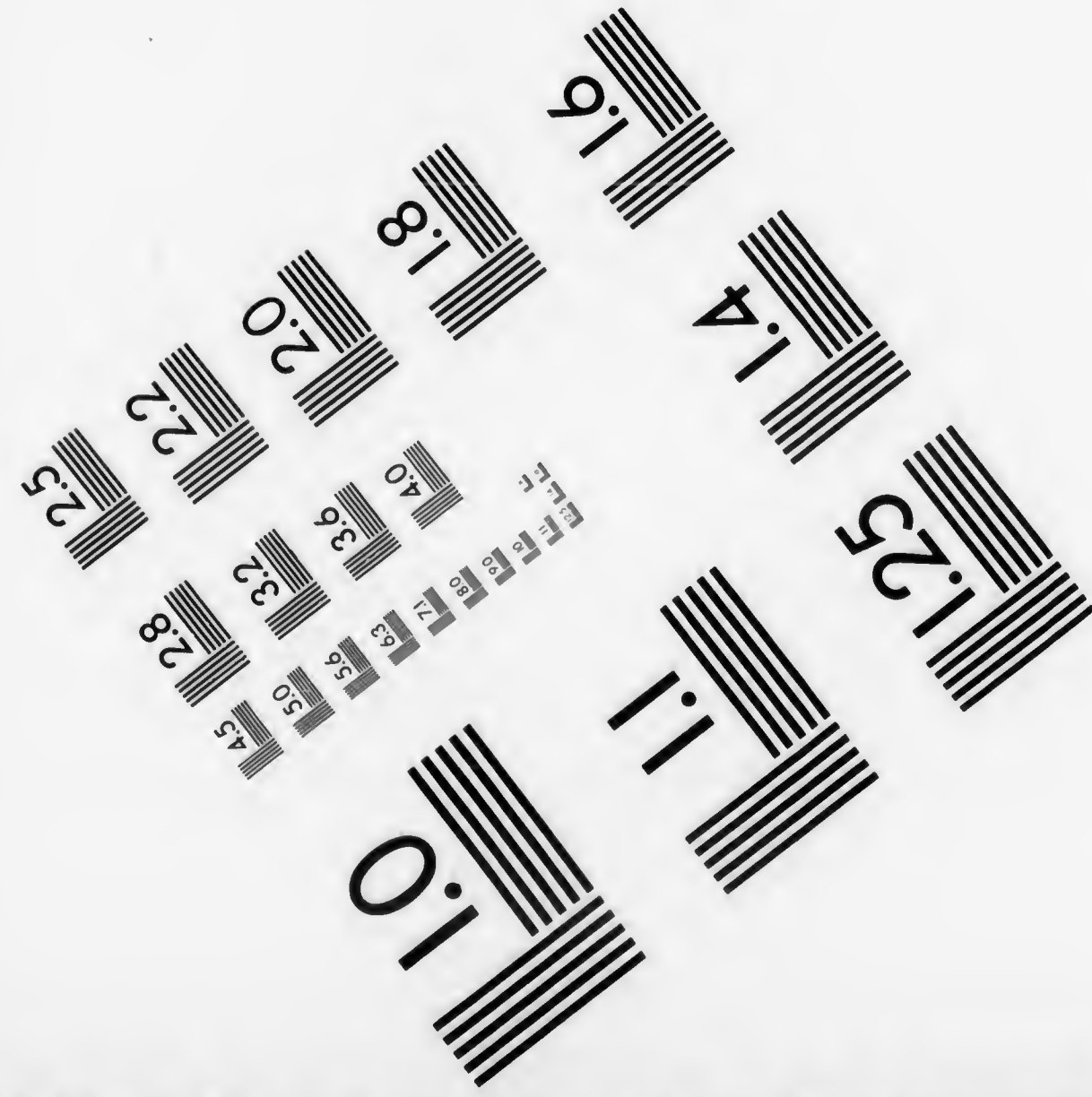
AIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

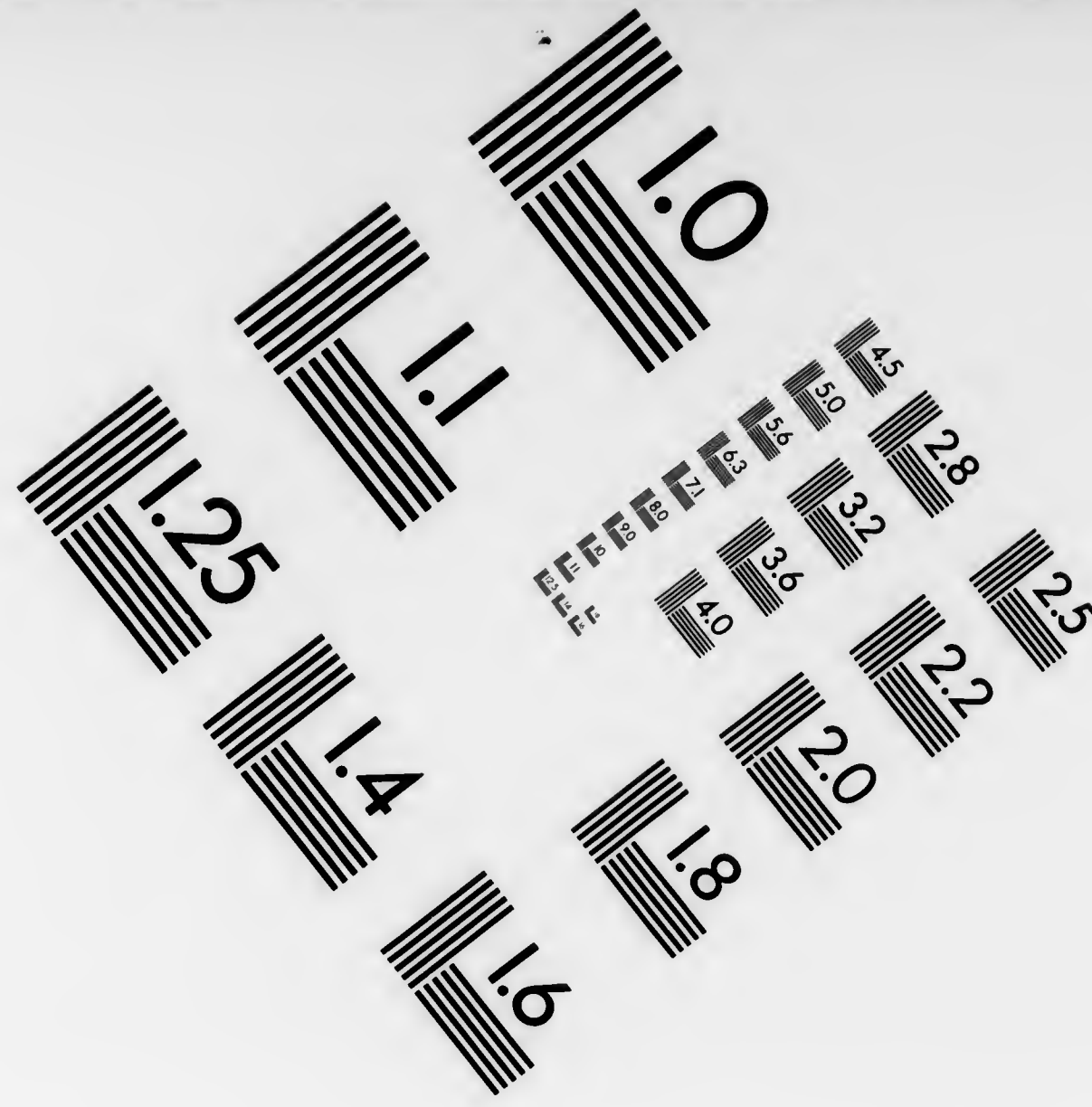
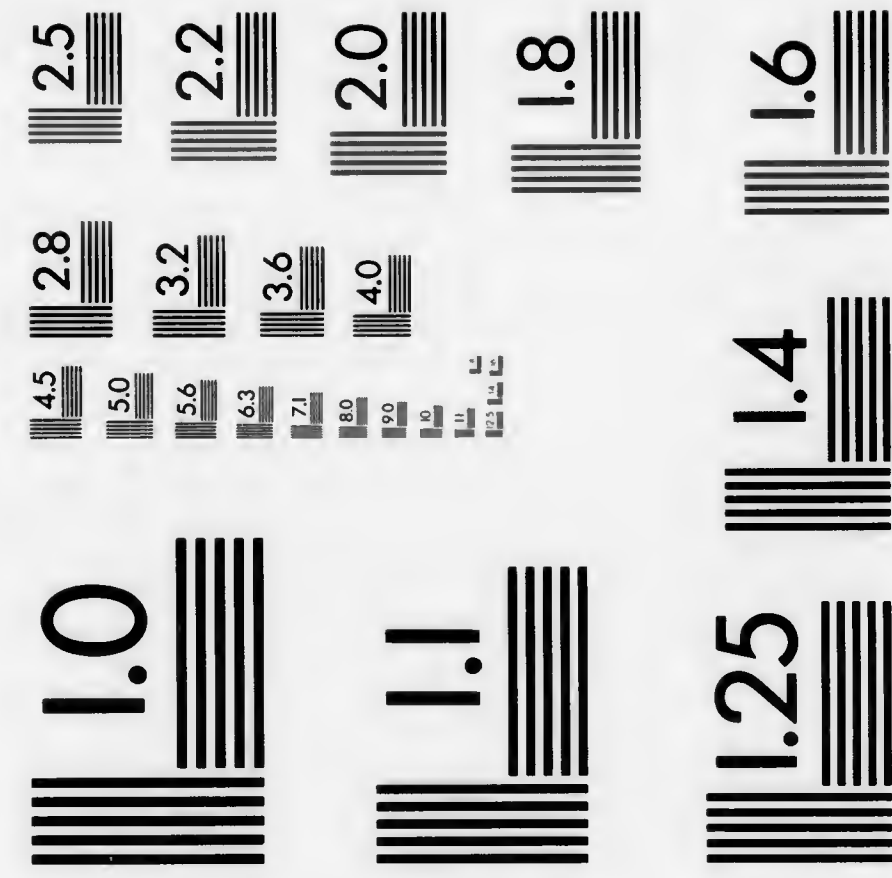
MS303-1980



Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

#Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.

150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing of
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.

Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in

CLUHsl SEE NEXT CRD

CLU-M ejf 891113

#Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Lutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles: a descriptive
catalogue (Malibu: Undena
Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 10

(Richter-Bernburg No. 12)

**Author: Zainoddīn Esmāʿīl
b. al-Ḥosain al-Jorjānī**

Title: Khoffī-ye ʿAlāʾī

21 fols., 213 x 145 mm

18

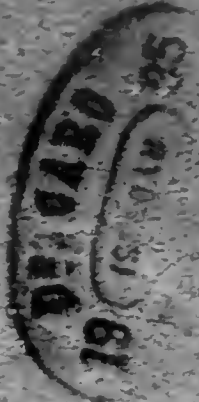
~~A 10~~

MS 10
Coll. III 7

MS 10
Coll. III 7



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES



[illegible]

五

[illegible]

Handwritten Persian script, likely from a manuscript or document, showing dense cursive writing.

و اندک ده شود هم خون و لیم زایع خون با غلظت از آن باید و برون کردن خون حاجت نبود و حذر آن
گویم اگر چه بیدر صورت است اما مدتی بیدر غلظت حاصل شود و بالی المین شون لود که آفت بر شریک سر کنند
و مهلت بزرگ مقدار خون کمتر باید کرد و صواب آن بود که چنین حالات هر سه تدبیر کرده شود و غلظت
و اندک داد و مقدار خون برون کردن آن در خون اعتدال بر قوت است و باید کرد و بالی از این
توان دانست طبیب دست بر نبض دارد تا هرگاه اثر صفت بیدر آید و حال بر بند بیدر آید که صفت
تباهی خون بود تا آنکه و قوت آن کم شود و بیدر است مگر از صفت بیدر آید و هرگاه صفت تابان
تا آنکه خون کم شود و بیدر است و قوت اطباء می گویند که باید اندک شود که با بسبب باید که تا آنکه خون کم شود
باید است مگر بوسیله یکی از صفت بیدر آید و کم آید اما هر چه در دست خون برون کرد و صفت
بود از این اندک اما پس بزرگ و کم و زیاده خون نیست باز و خون در انقباض باز آید و در شون لود برون آید
و حذر و لا غرر با که در صواب صواب است و کسی که مسامحانه باز و کم و کم که در صفت صفت باشد
و کسی را صفت صفت برون آید و از غلظت نگاه باید کرد که در دستش از صفت غنی باز و در صفت صفت برون آید
او صفت برون آید که در دست صفت صفت و در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
باز و صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
افزاید و صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
عالمی برون آید و صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
نیز صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
است تا صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
رنگ برون آید و صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
زرد صفت صفت برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
رنگ برون آید که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
ذکر کردیم که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی
باید کرد که در دستش از غلظت غنی اندک برون آید که در دستش از غلظت غنی

[illegible]

تبریز و قزوین و کاشان و...

سید محمد علی

فندق
بانيه صنفه
ملاو اعطى
الحق في الاور
صنفه

وان را که خوانند
بسیار سودمند

83

خاطر را کند و قوت را و غارت غریز را صیقل کند و در کتب می گویند و بسیار راهان را کند خفا کند
مستغیر از انباشته کار از اندیشه بسیار دشوار دارد تا که دلی دانی بندد و بر و سبک شود و در کتب
مستور کردن و کارهای مخفی شدن از بسیارها و در سر و عین بر آید و در عکس عین می شود و مستور از انباشته
کارهای مهم نیست و در کتب می گویند که در کتب می گویند و در کتب می گویند و در کتب می گویند
بسیار از نیست اما علاج بر ترشها تشنگ و غذا با و خفها خفشی و با و خفها خفشی و با و خفها خفشی
و حضور و تشنگی و عطش از ده و ترش با شد بسیار و از این و شراب و شراب و شراب و شراب
نصف از عطش در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و علم از کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
همه که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
تا بدین طریق نیک بر روزگار کشیدن عادت کند و قوت در روزگار هر کند و القوت قوت من الله
ما با و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
باید کرد چون کارهای و مالیدن و در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
صرف و آن در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
انده از خود در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
از کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
حونا انکه در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و اما در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
الکیمی می گویند که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
نرم کند و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
کرده و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و قوت می گویند که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
دانم کند و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

در صفت و نیک
در صفت و نیک

در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

و اندک بخشیل و اندک فضا را و ترش بزرگ و مشر و در بطریک کار دارند و در کتب می گویند
هر که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
مانند که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
کتب و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
از اصطلاح با کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
معد خالی که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
بسیار که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
هر طریقی در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و بسیار که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
بسیار که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
فرقه و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و اگر که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و با و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
بسیار که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
ناب و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
علاکه و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و قوت می گویند که در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
جیبان و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
و با و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
رفت و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
علاکه و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی
نعم و در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

در کتب می گویند که در کتب می گویند و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی و آن خفشی

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

1873

حیاتی بود که قوتها ضعیف شده و عوارض ملکیت بر نهی ضعیف شده بدانند که تبه مذرا عظامی
 است و نباشد و در عظامات و کب الک خشمها بدو در افتد و سستی باریک شود و بسود و باند کشد سر
 بینی شود و سیاه و کوفتی میسر شود و مستی شود و ناخن کبود و پوست بیشتنی کشیده شود
 این هم نشانه سرد شدن خون است و عوارض غریز بر و آب و سیم چشم بالا شود و غصه و غصه و غصه و غصه
 و دندان به هم چسبید و به لب افتد و دستها فرو کند و در به ریش آید و بعضی انگشت برهه و لوار
 می آید این هم نشانه سرد است **مبحث دوم در کتاب تشبیه هفت خلالت است**
 اول در آب طیب نزد بیماری محال دوم علاج بیماری است و تا به آب **اول اندر**
 بیماری سرد و طبع سرد کرم و خون است یکی از که ما در آن صفرا و اخضر بود دوم آنکه صفرا با خون
 آمیخته بود و غلظت و رابخه اما نه صفرا و اخضر با آن را بیرونانی قرنیطی گویند و بسیار گرم
 یعنی سرما سی قرنیطی علت است که سیاه که اند که هر دو با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 که قرنیطی اند و غشا و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 بخا بد که با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 بدان و در سستی و زردی زبان و علاج صفرا و اخضر و اند که کافور و بطلاب سوده و سرکه بر و چکانند و بسود
 و فو که کتان تر می کنند و بر پشتی و سرد و روی کنند و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 می آید و می شود و طبع را بکشد نرم و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 صفحت صفحت نرم و نفع ده دوم نیلوفر در غلظت سرد و کبالت با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 حمله اند و یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 سرخ اند و بیماری است از این مطبوع کنند و حمله کنند و اگر آن وقت و نشانی مانع با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 و تر خشت دهند و هر ریشده و در اسفند اند و طبع صلام و استخوان آنکه در آن دهند و هر آنکه خا خشت
 باید و در آن یکی و در سستی و حمله و در او را ندانند و در سستی و حمله و در او را ندانند و در سستی و حمله و در او را ندانند
 صوباً و خشت و خشت و یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته و با یکدیگر آمیخته
 و در سستی و حمله و در او را ندانند و در سستی و حمله و در او را ندانند و در سستی و حمله و در او را ندانند و در سستی و حمله و در او را ندانند

[illegible][illegible][illegible]

و از جهت تلبیق طبع شراب الک و روحانی هند و آب و سیم و آب و کرات بی اندازد بنظر بی از استخوان و غض
 کافور دهند و هر روز که در شکم نه شود یا بی از این امان است لکن برهند خفا که از بخ بپزند تا نیک
 آگاه به بخ و بکافور اندازد که کم نمایند و کافور و بکافور بپزند تا سوزنی نکل و سوزد از آلور سیاه یا زرد
 و روحانی هند و ماسق متعطر و انصاف و کسکسج هم برشته سوزان دام و مسکه و انداختن شهاب ک
 متعطر در رنگند و بر سرش عارضی دهند و جهت پاک رفتن طبع از اندازد و از رنگ و آب سبب ترش
 و آب عود به هم برشته سوزان دام و بریان کرده و سرسکام خونی را علامت سوزان و در کسکسج
 کرم و ولادم و کراتی سرد و ترش زبانی و بنفش سیرج و صلبه و شاد یکم زبانی بکشد و در وقت بخ بخند
 و قوی حیان این علاج و یستین است که این را بخند فصد یا جابت یا بیدار که در علاجها بیدان نزدیک
 باشد و کافور به بخند فصد فصد یا جابت یا بیدار که در علاجها بیدان نزدیک
 این بخند و بیدار که از بلیغ علفی برباغ رسد و سبب بخند یا سوزد و بود از اطهار سرد و در جوی مانی
 نماز و کوکب است که با بلیغ علفی برباغ رسد و سبب بخند یا سوزد و بود از اطهار سرد و در جوی مانی
 خواص عوارض و خواصی که در صداد نرم است و بنفش متعطر و در وقت غلط و فساد و سیر و لیسار
 آب دمان علاج غلط حقه نیز یا فی فیر نهان و قوی و فودن پس یا بریغ فیر و تخم فلفل
 مرکب کرده اند و طبوغ افقیون و باعدا و لکین و مصطکی دادن و انیسون و فضا صلیب و تخم فلفل
 و سطر و مانند آن مالیدن و اگر آب است که بیدار دادن و زردی و خشک و تخم کرفس
 و انداختن از زردی و سطر حقه بکشد تخم فلفل و افقیون از هر یک یک گشت لسان و دانه
 بود که کفایت بزند و بسیار بایند و در دم بوده اند و بکرم الکام و ده دم روغن زیت و ده
 درم فامید و در کافور و بیدار و در کافور و بیدار و در کافور و بیدار و در کافور و بیدار
 و فامید و بیدار و در کافور و بیدار و در کافور و بیدار و در کافور و بیدار
 بر سینی اویزانند و دارو را بر لطف غرض می نمایند و فلفل و صندل و سیرج می بپزند تا عطس آید
 و در وقت بکشد که در صغار غرق شود و فلفل و صندل و سیرج می بپزند تا عطس آید
 چند بیدار تا با لطف غرض می نمایند و فلفل و صندل و سیرج می بپزند تا عطس آید

١٢

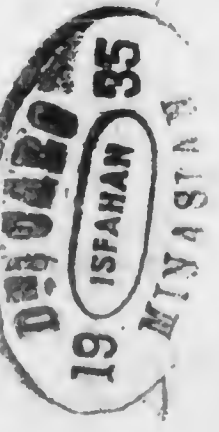
[illegible]

و اگر امانی باشد که با ملکی بایده از اسلیم و اگر صده ضعیف اند و بعد تو حق بایده

استیلا می باشد که نشانه فوایدش و سود بسیار و شایسته و خاصه از این فواید است
و شایسته و فواید بسیار و سود بسیار و شایسته و خاصه از این فواید است
علاج کسحت که قضا کنند و اگر کسحت و خرابی شربت بسیار کند و کسحت و خرابی بسیار کند
و قطره خون او کرم خست کنند و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
چشم روضه شود و خاکش اند و عطسه آید و آب بسیار در علاج اگر قضا یا کسحت بی نوزدن و دامانی
فیقا و کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن



کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

علاج کردن در هیچ علاجی خست نه خست سر و خست کردن نه در هیچ علاجی خست نه خست
کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
علاج کسحت که قضا کنند و اگر کسحت و خرابی شربت بسیار کند و کسحت و خرابی بسیار کند
و قطره خون او کرم خست کنند و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
چشم روضه شود و خاکش اند و عطسه آید و آب بسیار در علاج اگر قضا یا کسحت بی نوزدن و دامانی
فیقا و کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

کسحت و شایسته و اگر کسحت و شیر زنان در زنج با کسحت و خست کنند و کسحت و خست کنند
مندر کردن و خاصه و نشانی و او از بند ناکردن و بسیار ناکردن

END OF TITLE
PLEASE REWIND



